

## دوگانگی تفکر استراتژیک بمثابة بزرگترین نقطه ضعف پاکستان اولویت‌ها بمنظور تعیین سرنوشت سرزمین از پاداش افتاده ما چگونگی قرار گرفتن در مدار منافع استراتژیک دیگران

پس زمینه‌های پیچیده ژئوپولیتیکی معضل کشورها  
عنصر فقر، عنصر ترس و عنصر جنگ  
انعکاس گرایش‌های متناقض  
توقف توهم

تفکر استراتژیک یا تفکر راهبردی به پروسه فکر کردن بنحوه بازی حریف و تصمیم‌های او و واکنش‌های احتمالی او گفته می‌شود. در تعریف دیگر، تفکر استراتژیک را فرآیندی دانسته‌اند که با افراد کمک می‌نماید تا در مورد خود و دیگران تفکر نموده، آنرا ارزیابی کرده و ایجاد نمایند. در ادبیات و علوم اجتماعی به موضوع مدیریت اشاره‌های گوناگونی بانواع تفکرات بعمل آمده است؛ از جمله تفکر انتقادی، قیاسی، استقرایی، سیستمی و استراتژیک. تشخیص و تمایز انواع این تفکرات از یکدیگر بعضی بسیار دشوار می‌باشد؛ در مواردی نیز شباهت‌هایی میان آنها بچشم می‌خورد. در مورد تفکرات استراتژیک، آراء ارانه شده گوناگون و متنوع بوده و گاهی هم در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. تفکر استراتژیک صرفن یک فرآیند فکری عمدی و منطقی است که بر تجزیه و تحلیل عوامل و متغیرهای حیاتی تمرکز دارد که بر موفقیت بلند مدت یک تجارت، یک تیم و یا یک فرد تأثیر می‌گذارد. تفکر استراتژیک در برگیرنده پیشبینی دقیق و آگاهانه تهدیدها و آسیب‌ها و فرصت‌هایی به منظور پیگیری می‌باشد. در نهایت، تفکر استراتژیک و تحلیل به مجموعه واضحی از اهداف، برنامه‌ها و ایده‌های جدید مورد نیاز برای بقا و شگوفایی در یک محیط رقابتی و متغیر می‌شود. این نوع تفکر باید واقعیت‌های اقتصادی، نیروهای بازار و منابع موجود را بگونه‌ای باید در نظر گیرد. در امتداد سال‌هایی سال، "تفکرات استراتژیک" برای جلسات تیم اجرایی یا اتاق‌های هیأت مدیره بمثابة بخشی از فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک یک شرکت در نظر گرفته شده است. با اینحال، محیط‌های بسیار پویایی که در وضعیت حاضر در آن‌ها کار می‌کنیم پایین معناست که مفروضات و توافق‌هایی که اساس برنامه‌های استراتژیک را تشکیل می‌دهند، بگونه‌ای چشمگیری بین این فرآیند برنامه‌ریزی بسیار ساختار یافته دستخوش تغییراتی گردد. بمنظور تسریع عملکرد در برابر اهداف بلند مدت باید به قابلیت‌های استراتژیک تکیه کرد.

با در نظر داشت واقعیت‌های موجود و با تجزیه و تحلیل وضعیت سیاسی و اجتماعی - اقتصادی کشور پاکستان، فرصت آن میسر می‌گردد تا بسیاری از سناریوهای فاجعه‌باری را که بویژه در امتداد سال‌های پسین از قوه بفعال مبدل گردیده و درباره آن بحث‌های بیشماری براه افتاده، بمثابة یک کل بهم پیوسته مورد تردید قرار دهیم. نه تصاحب قدرت توسط رادیکال‌ها و نه کودتای نظامی دیگری بمثابة چشم‌انداز و دورنمای واقعینانه‌ای برای کشور یادشده اصلن بنظر نمی‌رسد. در عین حال این امکان نیز وجود دارد که پاکستان با بحران‌های سیاسی و اقتصادی، بلاپای طبیعی، افزایش عملکردهای تروریستی، درگیری‌های فرقه‌ای و از دست دادن موقت نظارت و کنترل بر جامعه مؤجه گردد. همه بوضاحت کامل آگاه می‌باشند که درک قابل قبول و مورد پذیرش از موقعیت و شرایط داخلی بمنظور تعیین و انتخاب راه‌ها و وسایل تعیین سیاست‌های داخلی، بخودی خود و بگونه‌ای آگاهانه‌ای تعیین‌کننده مشخصه‌های گزینش سیاست خارجی و مناسبات بین‌المللی هر کشوری، از اهمیت منحصر بفردی برخوردار بوده و در مقطع

اینچنینی است که مقدمات عمده و ضروری حصول و دستیابی به تعیین اهداف سیاست خارجی و راهها و وسایل نیل با اهداف یاد شده شکل گرفته و بحضور و واقعیت وجودی آنکشورد در صحنه بین المللی و مجموعه روابط بین الدول معنای می بخشد. اما بگونه مشخص درباره پاکستان باید یادآوری بعمل آید که وضعیت داخلی کشوریاد شده با ویژگی های ذیل خلاصه می گردد:

- جان سالم بردن نظام سیاسی این کشور از بحران های سیاسی و اقتصادی؛  
- تقابل و رویارویی با حاکمیت انتقالی که خود به مانعی در تطبیق عملی برنامه های توسعه اجتماعی و رشد و انکشاف اقتصادی مبدل می گردد؛

- قوت های مسلح پاکستان با وجود آنکه علاقمند کمک در امر رهبری سیاسی کشورشان می باشند، اما تمایلی به بازپس گیری قدرت نشان نمی دهند.

انعکاس گرایش های متناقض و منحصر بفردی در مورد مناسبات پاکستان با افغانستان از جمله:

- پاکستان به کاهش تهدیدهای تروریستی، عادی سازی اوضاع، بویژه در مناطق و محلات هم مرز با کشور ما و باز گشت پناهنده های افغان بسرزمین اصلی شان علاقمند می باشد؛

- منافع پاکستان در مسأله پبنتون ها و نوع نگرش هایش بویژه در مورد روابط و مناسبات افغانستان با کشور هند که بنحوی ارنحاً سبب بحث پرانگیز شدن سیاست آنکشورد در قبال افغانستان گردیده است.

اما بخاطر ما باشد که مشکل کشور عزیز ما افغانستان، اصل روابط حسنه و بلند مدت بین روسیه و پاکستان را تضمین می نماید. سایر مسایل مشابه شامل تروریسم، جرایم سازمان یافته، مشکل مواد مخدر، ایمنی هستوی و عدم اشته آنرا نیز می توان باین جمع اضافه نمود.

در امتداد دهه های پسین، پاکستان توجه بین المللی زیادی را بخود جلب نموده است. موجودیت سیستم سیاسی و اقتصادی ناپایدار، معضلات حاد امنیتی، نفی اصول و مقررات منع گسترش سلاح های هستوی و معضل روابط و مناسبات پیچیده ای با کشورهای همجوار، همه و همه بمثابة ویژگی های وضعیت کنونی این کشور پنداشته می شود.

پاکستان نه تنها بمثابة قدرت بزرگ منطقه بی محسوب می گردد، بلکه "ثروت طبیعی" آن و با موقعیت ژئواستراتژیکی مطلوبی که دارد، نقش آنرا بمثابة حلقه اتصال بین خاور میانه، آسیای مرکزی و آسیای جنوبی تضمین می نماید. اما علاوه بر آن، بسیار مهم پنداشته می شود که پاکستان بگونه کاملی در امر تقویت امنیت منطقوی و مبارزه علیه تروریسم و افراط گرایی مشارکت فعال نماید. در حوزه یاد شده، در کنار موفقیت های نسبی پاکستان، اسلام آباد با شکست هایی نیز مواجه گردیده است. با توجه بموقعیت ژئواستراتژیکی آن، هم موفقیت ها و هم شکست های کشور یاد شده، بویژه چگونگی رفع چالش های امنیتی این کشور، در اوضاع جهان و منطقه منعکس می گردد. در اینمورد توصیه می گردد تا به معضلات پیشروی پاکستان، آنهم از دریچه تاریخ نگاه گردد تا نکات ضعف و قوت آن برملا گردد.

بر بنیاد گزارش های رسانه ها، می توان نتیجه گرفت که پاکستان بگونه مستقل اصلن قادر بمقابله و رویارویی با معضلات توسعه اجتماعی - اقتصادی در مقیاس بزرگ نبوده و از توان ایستادگی و مقاومت در حل و فصل معضلات و مشکلات امنیتی موجود در کشورد نیز برخوردار نمی باشد که در نتیجه بمثابة یک کشور شکست خورده محسوب می گردد.

بخاطر ما باشد که چشم انداز های توسعه و انکشاف پاکستان بر بنیاد تحلیل فرآیند های اجتماعی - سیاسی و توجه ویژه ایی به روابط افغانستان - پاکستان در صدر اهمیت قرار می گیرد.

تشدید تهدیدهای متذکره را در سرزمین و اراضی متعلق به پاکستان، بمفهوم یک کل، ناشی از چگونگی تحولات در کشورد عزیز ما می پندارند. با وضعیت اینچنینی، آینده پاکستان و سلامت کنونی ساختار نظام آنکشورد در حاله ای از ابهام قرار می گیرد، بنابراین باصل فرآیند های اجتماعی - سیاسی داخلی و روابط و مناسبات انکشورد، بویژه با کشور های منطقه باید عطف توجه بعمل آید.

پاکستان از نقطه نظر سیاسی و اقتصادی بمثابة یک کشورد ضعیف پابعرضه وجود نهاده و علاوه بر آن، با درگیر شدن با کشور ما افغانستان و هند، تصمیم گرفت تا بکشور های غربی و در درجه نخست به ایالات متحده تکیه نماید. برین بنیاد، بعقد توافقنامه هایی در مورد همکاری های اقتصادی و نظامی - سیاسی با اداره و اشنگتن میادرت ورزید. اما درباره چگونگی تأثیرات و اثربخشی قضایای کشورد ما بر امنیت پاکستان، تذکر این مهم لازمی پنداشته میشود که

بعقیده بسیاری از کارشناسان، پاکستان اصلن منافع کلیدی اش در افغانستان را بگونه مستقیم به بن بست مناسبات و روابط هند و پاکستان مرتبط و وابسته پنداشته و سعی بعمل می آورند تا مشکلات و معضلات موجود در کشور ما را از دریچه مناقشه یادشده بنگرند که در نوع خود بمثابة نگاه و طرز دید تنگ نظرانه به قضایا محسوب می گردد. همچنان، رویکرد اینچینی بمثابة تلاش های اداره اسلام آباد و بگونه واضحی چگونگی سعی تب آلود رهبری سیاسی پاکستان بمنظور عادی سازی روابط و مناسبات با افغانستان و هند و همچنان بمثابة نادیده گرفتن خسارات سنگینی که پاکستان بدلیل جنگ علیه تروریزم متحمل می گردد، پنداشته می شود.

بربنیاد داده های رسمی از سال ۲۰۰۱ تاکنون، حدود ۴۱ هزار تن از باشنده های ایالت خیبرپختونخواه و نظامیان پاکستانی در ارتباط با مشارکت پاکستان در کارزار عملیات ضد تروریستی، از زندگی ساقط گردیده اند. تصور اینکه پاکستان در امر رویارویی با هند باهدافی دست یافته که شکست های اینچینی را توجیه نماید، اصلن دشوار بنظرمی رسد. تداوم جنگ و درگیری های مسلحانه در کشور عزیز ما، در کنار عوامل عدیده دیگر، بنحوی از انحاء سبب ساز شد گروه ها و دسته بندی های رادیکال افراطی در پاکستان نیز گردیده که بخودی خود، بمثابة تهدیدی برای نهادهای قدرت آنکشورتلقی می گردند. وضعیت یادشده به برخی از تحلیل گران حق می دهد که در مورد تبدیل پاکستان به یک کشور اسلامی بنیادگرا، ابراز نظر نمایند. البته تهدید یادشده، آنچنان که بنظر می رسد، واقعی پنداشته نشده و اما نباید کاملن نادیده گرفته شده و نباید بهیچوجه بآن کم بها داده شود. یکی از نشانه های تحولات منفی در پاکستان را می توان تشدید فعالیت ها و دگرگونی عملکردهای تروریستی بشمار آورد که در اواسط دهه نخست سده روان در آن کشور بر راه انداخته شد.

بسیاری ها چنین می پندارند که فعالیت های تروریستی و خرابکارانه در بلوچستان، خیبرپختونخواه و حرکاتی از این قبیل در مجموع نظامیان ارتش فدرال پاکستان، تحت تأثیر مستقیم وقایع افغانستان آغاز گردیده و پس از آن شاهد اتفاقاتی در سایر نقاط پاکستان بودیم. امر فوق تا حدودی با وقایع تکوین پذیرفته مربوط به لعل مسجد در اسلام آباد تسهیل گردید. در مرکز کشور یادشده نبردهای حماسی تداوم حاصل نموده که در نهایت امر، مذاکرات و گفتگوهای میان مقامات دولت مرکزی و حامیان اقدامات رادیکال با جنگجویان پولیس اخلاقی "طالب" ها که در مسجد سنگر گرفتار بودند، صورت گرفت اما توافقات حاصله بلافاصله نقض گردیده و در نتیجه تیراندازی هایی که رخ داد، عده ای بشمول شهروندان خارجی بگروگان گرفته شدند.

از یکجانب امیدهای آنها به یأس مبدل گردیده و در هیچ منطقه ای جز بخش شمالغربی کشور، اصل همبستگی با شورشیان از قوه بفعل مبدل نگردید، واقعیت اینچینی عملن باثبات رساند که بخش اعظم شهروندان پاکستانی از اقدامات اینچینی حمایت بعمل نمی آورند. از جانب دیگر، پس از وقایع یادشده، اقلیت رادیکال با اقدامات تهاجمی تری علیه مقامات نیروهای امنیتی و شهروندان ملکی آغاز نمودند.

اگر از یکجانب، امیدها و آرزومندی ها در مورد یادشده نقش بر آب گردید، اما از جانب دیگر در سایر مناطق پاکستان بجز مناطق و محلات شمالغربی آنکشور، عملن هیچگونه همبستگی با شورشیان اصلن وجود نداشت. همچنان این واقعیت باثبات رسید کاکثریت پاکستانی ها از اقدامات یادشده بهیچوجه حمایت و پشتیبانی بعمل نمی آورند. از جانب دیگر، پس از وقایع تکوین پذیرفته، اقلیت رادیکال با اقدامات و فعالیت های تهاجمی علیه مقامات دولتی و نیروهای امنیتی و حتا برخلاف شهروندان ملکی آنکشور مبادرت ورزیده و اما پس از حرکات لعل مسجد، در چگونگی و نوع عملکردهای تروریستی نیز تغییراتی رونما گردید، از جمله:

- اگر قبل از انجام حملات به مسجدها و انجام اقدامات تروریستی اصلی در بلوچستان، خیبرپختونخواه و سایر مناطق پاکستان رخ می داد، پس از آن، تروریست ها در برخی موارد با استفاده و یکارگیری طلاب سابق مدرسه ها، فعالیت های شان را در اسلام آباد، پنجاب و سند گسترش و توسعه دادند. همچنان بتاريخ ۲۷ ماه دسامبر سال ۲۰۰۷ بی نظیر بوتو در شهر "پادگانی" پنجاب در اوپندی ترور شد.

- در امتداد سال های پسین، حملات انتحاری در قالب نوعی از تروریزم که قبلن غیر معمول پنداشته می شد، در سرا سر پاکستان گسترش یافت. در امتداد سال های یادشده، طی انجام ۵۷ حمله انتحاری، تعداد بیشماری بخاک و خون کشیده شدند. در امتداد سال های ۲۰۱۳ تا کنون، تعداد تلفات مجموعی حملات انتحاری به بیشتر از ۷۰۲۳۵ تن بالغ می گردد. گستردگی مشارکت نوجوانان در حملات تروریستی و انجام اقدامات خرابکارانه "خود جوش" بدون هیچگونه رهبری و هدایتی، توسط گروه بندی های تروریستی قابل مشاهده بود.

یکشنبه ۴ ماه عقرب سال ۱۴۰۴ خورشیدی، برابر با ۲۶ ماه اکتوبر سال ۲۰۲۵ ترسایی